

بررسی و مقایسه شانزده تیپ شخصیتی دانشجویان ایرانی و هندی

الهه محمد اسماعیل

عضو هیأت علمی پژوهشکده کودکان استثنایی

چکیده

(تاریخ دریافت: ۱۳۸۳/۳/۵)

هدف پژوهش حاضر بررسی و مقایسه شانزده تیپ شخصیتی دانشجویان ایرانی و هندی است. بدین منظور تعداد ۸۰۰ دانشجوی سال آخر رشته‌های علوم انسانی و علوم پایه، ۴۰۰ دانشجوی دختر و پسر ایرانی و ۴۰۰ دانشجوی دختر و پسر هندی، از ۶ دانشگاه شهر تهران و ۶ کالج شهر پونا (هند) به شیوه خوشه‌ای انتخاب شده مورد آزمون قرار گرفتند. ابزار پژوهش سنخ‌نمای مایرز بریگز (MBTI) بود که در مورد دانشجویان به اجرا درآمد. نتایج نشان داد که دانشجویان ایرانی و هندی در ابعاد شخصیتی شهودی - حسی، فکری - احساسی با هم تفاوت معنی‌دار دارند و همچنین دانشجویان دختر و پسر نیز این تفاوت را نشان دادند، ولی در ابعاد برونگرایی - درونگرایی، قضاوتی - درکی تفاوت معنی‌دار نداشتند. تیپ شخصیتی دانشجویان ایرانی بیشتر برونگرای حسی - فکری است، در حالیکه دانشجویان هندی بیشتر برونگرای حسی - احساسی، و شهودی - احساسی هستند، و همچنین از نظر درون‌گرایی، دانشجویان ایرانی درون‌گرای حسی - فکری هستند در حالیکه دانشجویان هندی درون‌گرای حسی - احساسی و درون‌گرای شهودی - احساسی محسوب می‌شوند.

کلید واژه‌ها: شخصیت، دانشجویان، ایران، هند، دانشگاه تهران.

مقدمه

با نگاهی به تعاریفی که واژه نامه‌ها از شخصیت به دست می‌دهند، در می‌یابیم که همگی در تعاریف خود به جنبه‌های قابل مشاهده منش فرد، آن گونه که به وسیله دیگران ادراک می‌شود، اشاره دارند؛ در حالیکه به جز ویژگی‌های ظاهری فرد، ویژگی‌های اجتماعی - هیجانی وجود دارد که ممکن است مستقیماً قابل مشاهده نباشد (شولتز، ۱۳۸۱).

بنابراین، شخصیت به عنوان یک کل باعث تمایز فرد از سایرین می‌شود و هر کس ویژگی‌های منحصر به فرد خود را داراست و بر همین اساس نظریه‌های مختلف هر یک بر جنبه‌های متفاوت رفتار انسان اما مرتبط با هم تأکید دارند، از آن جمله یونگ (۱۹۳۹) معتقد است که رفتارهای بشر نه تنها بر مبنای گذشته شکل می‌گیرد، بلکه هدف‌ها و آرزوهای آینده نیز بر آن تأثیرگذار است. یونگ شخصیت هر فرد را محصول تاریخ قرون و اعصار اجداد او می‌داند. به نظر او انسان با گنجایش‌ها و ظرفیت‌های بالقوه‌ای که از اجداد خود به ارث برده است به دنیا می‌آید. این ظرفیت‌ها جهت رفتار افراد بشر را تعیین می‌کنند و به آنها نشان می‌دهند که از چه عوامل محیطی آگاه شوند و به کدام یک پاسخ دهند به عبارت دیگر، یونگ معتقد است که در هر فرد نوعی شخصیت ناخودآگاه جمعی و از قبل تعیین شده، توسط نژاد او شکل گرفته است که فرد براساس آن، تجارب فردی خود را به نحو انتخابی برمی‌گزیند. با این تعریف، شخصیت هر فرد نتیجه نیروهای درونی کهن و عوامل بیرونی موجود او است.

بنابراین، اکثر صاحب نظران روانشناسی با پذیرش یک رویکرد تعاملی درباره تأثیر پذیری رفتار از صفت‌های شخصی و جنبه‌های شرایط محیطی و اجتماعی و تعامل میان آنها، این موضوع را برای خود حل کرده‌اند (کارسون^۱، ۱۹۸۹، کنریک^۲ و راول^۳، ۱۹۸۸). در حقیقت آنها چند عامل را در رشد شخصیت دخیل می‌دانند که مهم‌ترین آنها تجارب

1. Carson

2. Kenrik

3. Rowe

اولیه فرد و فرهنگی است که فرد در آن رشد می‌کند. مطالعات بسیاری در زمینه شخصیت و فرهنگ در بافت‌های مختلف روان‌شناسی فرهنگی و روان‌شناسی بین فرهنگی انجام شده است و آنچه آشکار است یادگیری شیوه‌های خاص رفتار کردن، تعامل با دیگران، احساس کردن، و تفسیر جهان اطراف در جامعه و فرهنگی است که در آن رشد می‌کنیم. اسنادها، ارتباط‌های عاطفی و بین شخصی و رفتارهای گروهی همیشه شدیداً تحت تأثیر فرهنگی قرار دارد که در آن زندگی می‌کنیم (باجی پای،^۱ ۱۹۹۷). در این باره می‌توان به نظرات افرادی چون تری پاتی^۲ و میش هار^۳ (۱۹۷۴)، سری وستاوا و ست^۴ (۱۹۷۹) اشاره کرد که در یافته‌های تحقیقی خود، به تأثیر محرومیت فرهنگی - اجتماعی بر شخصیت و نقش شناخت در ساخت شخصیت فرد اشاره کرده‌اند. بنابراین، فرهنگ نقش اساسی در شکل‌گیری رفتار با دیگران بر عهده دارد.

در همین زمینه تحقیقات بین فرهنگی یکی از رایج‌ترین روش‌های بررسی ارتباط میان فرهنگ و شخصیت است که با توجه به تفاوت در ارزش‌ها، رفتارها، و فعالیت‌های مشاهده شده در فرهنگ‌ها مورد تفسیر قرار می‌گیرند.

با توجه به تفاوت موجود در میان فرهنگ‌های مختلف و تأثیر آن بر عوامل شخصیتی، یکی از فرهنگ‌هایی که به اظهار شارما^۵ (۱۹۸۱) در ابعاد مختلف مانند نظام کاست، طبقات اقتصادی - اجتماعی، نظریه کارما، و نظام فئودالی با سایر فرهنگ‌ها تفاوت دارد هند است. به طوری که آستانا^۶ (۱۹۸۸) در بررسی خود از نظر اجتماعی شدن، تغییرات اجتماعی و رشد شخصیت، رشد هویت و مطالعات بین فرهنگی و زیرگروه‌های فرهنگی در هند اظهار می‌دارد که هند دارای فرهنگی بسیار قدیمی است که توسط زبان‌ها و گویش‌های مختلف، مذاهب و آداب و رسوم، نظام طبقاتی و اصول عقیدتی، چشم اندازهای فلسفی متعدد بروز می‌کند و این جامعه اغلب به عنوان

1. Bajipai

2. Tripathi

3. Mishra

4. Srivastava

5. Sharma

6. Asthana

جامعه‌ای سنتی و محافظه‌کار شناخته می‌شود. بدین منظور، با توجه به اینکه ایران و هند از دو فرهنگ و تمدن قدیمی برخوردارند و هر یک ویژگی‌های خاص اجتماعی و محیط پرورشی خاص خود را دارد، مطالعات بین فرهنگی می‌تواند مورد توجه قرار گیرد. البته مطالعات بسیاری در مورد ویژگی‌های شخصیت دانشجویان ایرانی (اعتمادی، ۱۳۷۱، مشایخی، ۱۳۷۱؛ آقاجانی، ۱۳۷۷) و همچنین در کشور هند (ناندی^۱؛ لودی و تاکار^۲، ۱۹۹۳؛ کوماری وینا^۳، ۱۹۹۶) انجام شده، اما مطالعات بین فرهنگی بسیار اندکی در مورد مقایسه ویژگی‌های شخصیتی دانشجویان ایرانی و هندی صورت گرفته است. بدین منظور، در پژوهش، به بررسی نیمرخ شخصیتی دانشجویان ایرانی و هندی پرداخته شده، که پرسش‌ها و فرضیه‌ها تدوین شده‌اند آن به شرح زیر است:

فرضیه‌ها

۱. بین ابعاد شخصیتی (برونگرایی - درونگرایی) دانشجویان ایرانی و هندی تفاوت وجود دارد.
۲. بین ابعاد شخصیتی (شهودی - حسی) دانشجویان ایرانی و هندی تفاوت وجود دارد.
۳. بین ابعاد شخصیتی (فکری - احساسی) دانشجویان ایرانی و هندی تفاوت وجود دارد.
۴. بین ابعاد شخصیتی (درکی - قضاوتی) دانشجویان ایرانی و هندی تفاوت وجود دارد.
۵. بین ابعاد شخصیتی دانشجویان دختر و پسر تفاوت وجود دارد.

1. Nandy

2. Lodhi & Thakar

3. Kumari Veena

پرسش‌های تحقیق

تیپ‌های شخصیتی دانشجویان ایرانی کدامند؟

تیپ‌های شخصیتی دانشجویان هندی کدامند؟

روش و جامعه آماری

جامعه آماری پژوهش حاضر را کلیه دانشجویان رشته علوم انسانی و علوم پایه سال آخر ایرانی و هندی که در سال‌های ۲۰۰۱-۲۰۰۰ مشغول تحصیل بوده‌اند تشکیل می‌دهند. نمونه این تحقیق شامل ۸۰۰ دانشجوی ایرانی و هندی، ۴۰۰ دانشجوی ایرانی (۲۲۶ دختر و ۱۷۴ پسر) از ۶ دانشگاه شهر تهران و ۴۰۰ دانشجوی هندی (۲۶۴ دختر و ۱۳۶ پسر) از شش کالج در پونا (هند) به روش خوشه‌ای انتخاب شدند. میانگین و انحراف استاندارد سن دانشجویان ایرانی ۲۲/۸۵ و ۱/۹۳ و برای دانشجویان هندی ۲۰/۶۸ و ۱/۶۹ بود.

ابزار پژوهش

ابزار پژوهش حاضر عبارت از سنخ نمای مایرز-بریگز (MBTI) است که در دهه ۱۹۲۰ توسط کترین بریگز^۱ و ایزابل بریگز مایرز^۲ بر اساس نظریه شخصیت یونگ ساخته شد (بریگز و مایرز، ۱۹۴۳، ۱۹۷۶). این ابزار کمک می‌کند تا تفاوت‌ها به شیوه‌ای که افراد جهان اطراف خود را درک می‌کنند و مورد قضاوت قرار می‌دهند، مشخص شود. ابعاد شخصیتی که مربوط به این سنخ‌ها هستند عبارتند از: درونگرا-برونگرا^۳، حسی-شهودی^۴، فکری-احساسی^۵، و قضاوتی-درکی^۶؛ در نتیجه دو نگرش و چهار کارکرد با توجه به شیوه‌ای که افراد جهان خود را درک می‌کنند و

1. Katharine Briggs

2. Isabel Briggs Myers

3. Extraversion-Introversion

4. Sensing-Intuitive

5. Feeling-Thinking

6. Perception-Judging

مورد قضاوت قرار می‌دهند، شانزده تیپ (سنخ) شخصیتی وجود دارد که به شرح زیر است:

برون‌گرا

	تیپ‌های حسی		تیپ‌های شهودی	
	فکری	احساسی	احساسی	فکری
درکی	<i>ESTP</i>	<i>ESFP</i>	<i>ENFP</i>	<i>ENTP</i>
قضاوتی	<i>ESTJ</i>	<i>ESFJ</i>	<i>ENFJ</i>	<i>ENTJ</i>

درون‌گرا

درکی	<i>ISTJ</i>	<i>JSFJ</i>	<i>INFJ</i>	<i>INTJ</i>
قضاوتی	<i>ISTP</i>	<i>ISFP</i>	<i>INFP</i>	<i>INTP</i>

لازم به ذکر است که این آزمون از طریق برگردان به فارسی و مراتی^۱ انجام شد و در مطالعه مقدماتی بر روی ۸۰ نفر از دانشجوی ایرانی و ۸۰ نفر دانشجوی هندی اجرا گردید و در این مرحله به منظور تجزیه و تحلیل سؤالات، و بررسی ویژگی‌های روانسجی آزمون، ابتدا با بررسی همبستگی هر سؤال با کل آزمون در دو جامعه سؤالات مناسب تشخیص داده شد و سپس به منظور بررسی روایی آزمون با استفاده از آزمون نئو (NEO-PI)، همبستگی میان ابعاد سنخ نمای مایرز بریگر (*MBTI*) با آزمون مذکور مورد بررسی قرار گرفت. نتایج نشان داد که همبستگی میان ابعاد برون‌گرایی و درون‌گرایی با بعد (*MBTI*) برون‌گرایی آزمون نئو در دو جامعه (به میزان ۰/۷۵ و ۰/۷۳-) و در بعد شهودی - حسی با فاکتور انعطاف‌پذیری (به میزان ۰/۷۱، ۰/۷۳) و نیز همبستگی بعد فکری احساسی با فاکتور دل‌پذیر بودن (به میزان ۰/۴۸ و ۰/۴۷) و بعد قضاوتی - درکی با فاکتور وجدانی بودن از همبستگی قابل ملاحظه‌ای (به میزان ۰/۴۵- و ۰/۴۸)

برخوردار بودند که همه این همبستگی‌ها در سطح ۰/۰۱ معنی دار هستند. برای اعتبار آزمون از روش هماهنگی درونی استفاده شد و این اعتبار برای دو گروه به میزان ۰/۸۲ و ۰/۸۴ برآورد شد. در مرحله دوم، آزمون بر روی ۸۰۰ نفر دانشجوی به اجرا درآمد.

نتایج

به منظور بررسی و مقایسه تیپ‌های شخصیتی دانشجویان ایرانی و هندی، ابتدا پس از جمع‌آوری داده‌های تحقیق با استفاده از آمار توصیفی به بررسی میانگین و انحراف استاندارد ابعاد مختلف شخصیتی چهار گروه دانشجوی پرداخته شد. سپس با استفاده از آمار استنباطی ابتدا با استفاده از آزمون هماهنگی واریانس هارتلینو، هماهنگی واریانس گروه‌ها مورد بررسی قرار گرفت و سپس به تحلیل واریانس (*ANOVA*) نمرات ابعاد مختلف سنخ‌نمای مایرز بریگز (*MBTI*) پرداخته شد که میانگین و نتایج تحلیل واریانس در جدول شماره ۱ آمده است.

جدول ۱. میانگین و نتایج *ANOVA* برای ابعاد شخصیتی دانشجویان ایرانی و هندی

اثرات اصلی		میانگین					
		دانشجویان هندی		دانشجویان ایرانی		ابعاد	
اثر تعاملی	اثر جنسیت	اثر فرهنگ	پسران	دختران	پسران		دختران
۳/۱۸	۱/۵۳	۰/۲۸	۱۹/۰۶	۱۷/۷۷	۱۸/۲۷	۱۸/۴۹	درون‌گرایی
۳/۳۰	۱/۹۲	۰/۲۰	۲۰/۹۲	۲۲/۲۳	۲۱/۷۳	۲۱/۵۱	برون‌گرایی
۶/۸۷**	۹/۷۲	۱۳/۲۹*	۱۷/۴۹	۱۵/۴۸	۱۵/۲۶	۱۴/۶۷	شهودی
۵/۶۵**	۷/۹۷	۱۲/۸۵**	۲۲/۲۱	۲۴/۵۰	۲۴/۲۷	۲۵/۲۴	احساسی
۴/۴۶**	۱۳/۳**	۷۶/۰۹**	۱۸/۳۶	۱۹/۰۵	۱۵/۰۲	۱۶/۳۵	حسی
۴/۵	۱۳/۱۳**	۷۵/۳**	۲۱/۶۲	۲۰/۹۸	۲۴/۹۸	۲۳/۶۵	فکری
۰/۰۷	۱/۳۰	۳/۳۱	۱۹/۵۹	۱۹/۰۲	۱۹/۹۰	۱۹/۷۶	درکی
۰/۷۳	۱/۹۵	۳/۳۳	۲۰/۴۰	۲۰/۹۸	۲۰/۱۰	۲۰/۲۳	فضاوتی

* $P < 0.01$ ** $P < 0.05$

داده‌های جدول ۱ نشان می‌دهد که به طور کلی میانگین نمرات دانشجویان ایرانی و هندی در بعد برون‌گرایی بیشتر از درون‌گرایی است و بالاترین میانگین درون‌گرایی به پسران هندی و بالاترین میانگین برون‌گرایی به دختران هندی تعلق دارد. البته اثر اصلی مربوط به فرهنگ در ابعاد درون‌گرایی و برون‌گرایی دانشجویان ایرانی و هندی ($F=0/28$ ، $F=0/20$) و همچنین دختران و پسران ($F=1/93$ ، $F=1/53$) نشان داد که بین دو گروه ایرانی و هندی و همچنین بین دختران و پسران تفاوت معنی‌داری وجود ندارد.

در بُعد شهودی مشاهده می‌شود که میانگین دانشجویان هندی (دختر و پسر بیشتر از میانگین دانشجویان (دختر و پسر) ایرانی است و همین‌طور اثر اصلی مربوط به فرهنگ ($F=13/29$) نشان دهنده تفاوت معنادار میانگین دانشجویان ایرانی و هندی در بُعد شهودی است و این تفاوت معنی‌دار همچنین در بین دختران و پسران هم دیده می‌شود ($F=9/72$)، زیرا میانگین پسران ایرانی و هندی بیشتر از میانگین دختران ایرانی و هندی است. اما عکس آن در بُعد حسی صادق است، زیرا میانگین دانشجویان ایرانی دختر و پسر ($M=24/27$ ، $25/24$) بیشتر از میانگین دانشجویان هندی ($M=22/21$ ، $24/50$) است و اثر اصلی مربوط به فرهنگ ($F=12/85$) نشان دهنده تفاوت معنی‌دار بین دانشجویان ایرانی و هندی در بُعد حسی است و همین نتایج در مورد دختران با میانگین ($M=24/05$ و $M=25/24$) در مقابل پسران ($M=24/27$ و $M=22/21$) با منبع اثر مربوط به جنسیت ($F=7/97$) صادق است و دختران بیشتر از پسران حسی هستند، تا شهودی.

به طور کلی، علی‌رغم وجود تفاوت بین دختران و پسران و همچنین بین دانشجویان ایرانی و هندی مشاهده می‌شود میانگین بعد احساسی هر چهار گروه بیشتر از بعد شهودی است. جدول شماره ۱ نشان می‌دهد که در مقایسه بعد فکری و احساسی، میانگین دو گروه در بعد فکری بالاتر از بعد احساسی است، اگرچه داده‌ها نشان می‌دهد که میانگین دانشجویان ایرانی ($M=23/65$ و $M=24/98$) در بعد فکری بالاتر از میانگین دانشجویان هندی ($M=20/98$ و $M=21/62$) است و منبع اثر ($F=75/3$)

نشان دهنده تفاوت معنی دار بین دانشجویان ایرانی و هندی است و همین طور منبع اثر مربوط به جنسیت ($F=۱۳/۳$) تفاوت معنی دار دو گروه دختران و پسران را نشان می دهد، و این امر در بعد احساسی هم صادق است و منبع اثر مربوط به جنسیت $F=۱۳/۳$ نشان دهنده این است که پسران و دختران در بعد احساسی تفاوت دارند و با نگاهی به بعد فکری متوجه می شویم که تفاوت معنی دار منبع اثر مربوط به فرهنگ و جنسیت ($F=۱۳/۰۳$ و $F=۷۵/۰۳$) در بعد فکری، از طرفی به سمت دانشجویان ایرانی با میانگین ($M=۲۴/۴۸$ و $M=۲۳/۶۵$) و همچنین به سمت پسران در مقایسه با دختران ($M=۲۴/۴۸$ و $M=۲۱/۶۲$) است. اما در بُعد قضاوتی - درکی مشاهده می شود که منبع اثر مربوط به فرهنگ ($F=۳/۳۳$ و $M=۳/۳۱$) و مربوط به جنسیت ($F=۱/۹۵$) و $F=۱/۳۰$ معنی دار نیست و تفاوت معنی داری بین دانشجویان ایرانی و هندی و همچنین بین دختران و پسران وجود ندارد، ولی در ارتباط با مقایسه شانزده تیپ شخصیتی دانشجویان ایرانی و هندی در جدول شماره ۲ مشاهده می شود که:

دانشجویان ایرانی در بعد برونگرایی بیشتر برونگرای با تیپ حسی - متفکر یعنی *ESTJ* و *ESTP* هستند در حالیکه دانشجویان هندی در این بعد بیشتر برونگرای با تیپ حسی - احساسی و شهودی - احساسی یعنی *ESFJ* و *ENFP* هستند در حالیکه در بعد درونگرایی دانشجویان ایرانی درونگرایی با تیپ حسی - متفکر یعنی *ISTJ* و *ISTP* هستند ولی دانشجویان هندی درونگرایی حسی احساسی و شهودی - احساسی یعنی *INFJ* و *ISFJ* هستند و دانشجویان ایرانی و هندی در این تیپ ها تفاوت معنی دار دارند.

به طور کلی دانشجویان ایرانی و هندی و همچنین دختران و پسران در ابعاد درونگرایی - برونگرایی، قضاوتی - درکی تفاوت معنی دار ندارند در حالیکه این تفاوت در ابعاد حسی - شهودی و احساسی - متفکر در بین دانشجویان ایرانی و هندی، دختران و پسران به چشم می خورد.

جدول ۲. فراوانی درصد و t نسبت مربوط به ۱۶ تیپ شخصیتی دانشجویان ایرانی و هندی

برونگرا				
گروهها	تیپ‌های حسی		تیپ‌های شهودی	
	فکری	احساسی	احساسی	فکری
دانشجویان ایرانی (دختر و پسر)	ESTP %23 $z=3.10^{**}$	ENFP %7.8 $z=0.39$	ENFP %1.8 $z=3.27^*$	ENTP %3 $z=0$
	دانشجویان هندی (دختر و پسر)	%145	%8.5	%6.2 %3
دانشجویان ایرانی (دختر و پسر)	ENTJ %32.2 $z=2.96^{**}$	ESFJ %6.5 $z=3.52^{**}$	ENFJ %1.25 $z=1.72$	ENTJ %2.5 $z=0.22$
	دانشجویان هندی (دختر و پسر)	%24.7	%14	%3 %2.7
درون‌گرا				
دانشجویان ایرانی (دختر و پسر)	ISTJ %18.2 $z=1.24^{**}$	ISFJ %3 $z=2.47^{**}$	INFJ %0 $z=3.67^{**}$	INTJ %2 $z=1.48$
	دانشجویان هندی (دختر و پسر)	%15	%6.8	%3.2 %3.7
دانشجویان ایرانی (دختر و پسر)	ISTP %11 $z=0.58^{**}$	ISFP %3.8 $z=1.08$	INFP %1.7 $z=4.5^{**}$	INTP %4.7 $z=0.48$
	دانشجویان هندی (دختر و پسر)	%9.8	%5.5	%6.5 %5.5

نتیجه‌گیری و بحث

در بررسی و مقایسه ویژگی‌های دانشجویان ایرانی و هندی، مشاهده شد که بین دانشجویان ایرانی و هندی در بعد درون‌گرایی و برون‌گرایی تفاوت معنی‌دار وجود

ندارد، اگر چه هر دو گروه تمایل بیشتری به برون‌گرایی دارند تا درون‌گرایی. بر طبق نظر یونگ، نگرش برون‌گرایانه، انسان را به سوی دنیای عینی بودن سوق می‌دهد، به طوری که در دوره نوجوانی و اوایل بزرگسالی غرایض با شدت هر چه بیشتر فعالیت می‌کنند و شخص از طریق شهوات، عواطف، و خواسته‌های خود اداره می‌شود و به طور کلی در جایگاه زندگی اجتماعی خود مستقر می‌گردد، ولی در حدود ۴۰ سالگی علایق و تمایلات دوران نوجوانی را از دست می‌دهد و جای آنها را ارزش‌هایی می‌گیرند که بیشتر جنبه فرهنگی و معنوی دارند و بیشتر درون‌گرا و هیجانی می‌شوند و به جای فعالیت‌های شدید جسمانی و عاطفی (بعد برون‌گرایی) بیشتر به تعقل و تأمل در امور (بعد درون‌گرایی می‌پردازند).

در بُعد متفکر - احساسی مشاهده شد که دانشجویان ایرانی بیشتر دارای تیپ‌های برون‌گرای متفکر هستند، در حالیکه دانشجویان هندی بیشتر برون‌گرای احساسی هستند. اگر چه تفکر و احساس متضادند هر دو کارکرد عقلانی دارند که شامل قضاوت کردن و ارزیابی تجربه‌هاست. هر دوی آنها به سازمان دادن و طبقه بندی کردن تجربه‌ها مربوط می‌شوند. کارکرد تفکر، قضاوت هشیار را درگیر درست بودن یا غلط بودن یک تجربه می‌کند، اما نوع ارزیابی که توسط کارکرد احساس صورت می‌گیرد براساس دوست داشتن یا دوست نداشتن، خوشایندی یا ناخوشایندی، تحریک یا یکنواختی ابراز می‌شود. براساس نظریه یونگ، تیپ برون‌گرای متفکر بطور جدی طبق مقررات جامعه زندگی می‌کند و به سرکوب کردن احساس‌ها، هیجان‌ها، عینی بودن در تمام جنبه‌های زندگی، و جزمی بودن در افکار و نظرات تمایل دارند و تمرکز آنها بر یادگیری دنیای بیرونی و به کارگیری قوانین منطبق برای توصیف و درک آن است.

در حالیکه افراد برون‌گرای احساسی از ارزش‌های سنتی و مسائل اخلاقی که به آنها یاد داده شده، پیروی می‌کنند. آنها از نظر عاطفی پاسخگو هستند و به راحتی دوست می‌گیرند و گرایش به معاشرتی بودن دارند. تمایل بیشتر دانشجویان هندی در مقابل دانشجویان ایرانی به این ویژگی می‌تواند ناشی از نظام کاست، طبقات اقتصادی - اجتماعی، نظام فئودالی و نظام کارما (نظریه بودا) باشد که به نظر آستانا

(۱۹۸۸) وجود فرهنگ بسیار قدیمی، مذاهب، آداب و رسوم، نظام طبقاتی و اصول عقیدتی باعث گردیده تا جامعه به صورت سنتی و محافظه کار درک شود.

با نگاهی به نتایج مربوط به جنسیت درمی‌یابیم که این امر دقیقاً در مورد پسران در مقابل دختران صادق است، به طوری که پسران بیشتر گرایش به متفکر بودن و دختران تمایل به احساسی بودن دارند. دختران بیشتر تحت تأثیر سنت‌ها و اعتقادات خانواده قرار دارند، در حالیکه پسرها بیشتر منطقی بوده و در جنبه‌های مختلف زندگی سعی می‌کنند که عینی باشند و بیشتر تمرکز بر یادگیری درباره دنیای بیرونی و به‌کارگیری قوانین منطقی برای توصیف و درک دنیای خود دارند.

در بررسی بعد شهودی-حسی دریافتیم که دانشجویان هندی بیشتر برون‌گرای شهودی هستند، ولی دانشجویان ایرانی بیشتر حسی هستند. بر طبق نظر یونگ، حس و شهود از کارکردهای غیرعقلانی به‌شمار می‌آید و با هم گروه‌بندی می‌شوند. آنها از فرایند عقل استفاده نمی‌کنند. این فرایندها، تجربه‌ها را می‌پذیرند ولی آنها را ارزیابی نمی‌کنند. حس کردن، یک تجربه را از طریق حواس دوباره تولید می‌کند، در حالیکه شهود به طور مستقیم از یک محرک بیرونی ناشی می‌شود. افراد حسی به لذت و شادی و برجست و جوی تجربه‌های جدیدی تمرکز دارند. این افراد قویاً به سوی دنیای واقعی گرایش دارند و خود را با انواع مردم و شرایط متغیر سازگار می‌کنند، زیرا به اجتماعی بودن تمایل دارند. اما افراد شهودی موفقیت را در کسب و کار و سیاست می‌بینند زیرا توانایی زیادی در بهره‌برداری از فرصت‌ها دارند. این افراد جذب اندیشه‌های نو می‌شوند و به خلاق بودن گرایش دارند. آنها به تغییرپذیر بودن از یک فکر یا کار مخاطره‌آمیز به دیگری و تصمیم‌گیری طبق حدس‌ها و گمان‌ها به جای اندیشه، گرایش دارند. بسیار جالب است که ویژگی افراد شهودی را به مراتب می‌توان در زندگی روزمره نوجوانان هندی و همین تفاوت را می‌توان در بین دختران و پسران مشاهده کرد، زیرا نتایج نشان داده که پسران بیشتر تمایل به شهودی بودن و دختران تمایل به حسی بودن دارند که می‌توانند ناشی از فضای حاکم بر شکل‌گیری نگرش‌ها، ارزش‌ها و اعتقادات دو جنس متفاوت باشد.

مآخذ

- اعتمادی، محمد (۱۳۷۱) "بررسی ویژگی‌های شخصیتی دانشجویان سال اول و آخر دانشکده روانشناسی"، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد.
- عبادی، مریم (۱۳۷۱). "بررسی ویژگی‌های شخصیت دانشجویان دختر و پسر رشته‌های فنی مهندسی". مرکز فنی حرفه‌ای سمیه.
- مشایخی، محمد (۱۳۷۱). "بررسی عوامل شخصیتی دانشجویان ایرانی"، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه علامه طباطبایی.
- آقاجانی، احمد (۱۳۷۷). "بررسی ویژگی‌های دانشجویان مجرد و متأهل"، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه تربیت معلم.
- شولتز، دوان (۱۳۸۱). نظریه‌های شخصیت. ترجمه یوسف کریمی و دیگران. تهران: ارسباران.

Asthana. H. S. (1988). "Personality". In J. Pande (Ed.), *Psychology in India: The state-of- the art*, vol . 1. *personality and mental processes*(p.153-189). New Delhi: sage publications.

Bajpai(1998)."Differential personality traits of press tribal students in relation to their gender, locale, age socio- economic status category". *Journal of Psychological Researches* vol. 42, No3, 107-114.

Briggs. K. C. & Myers, I. B. (1976). *Myers- Biggs Type Indicator*. Palo Alto, CA: consulting psychologists.

Carsons, R. C. (1989)."Personality" *Annual review of psychology*. 40: 227-248.

Jung, C. R(1961). *The integration of the personality*. Farrar.

Kenrick, D. T., & Funder, D. C. (1988)."Profiting from controversy: Lessons from the person situation debate". *American Psychologist*, 43: 23-34.

Lodhi, P. H. and Thakur, S. (1993)."Personality of drug addicts: Eysenckian analysis", *Personality and Individual Difference* 15: 121-128.

Matsomoto. David (2000). *Culture and psychology people around the world*. San Francisco, inc. Zre.ed.

Mishra , S M. and Tripathi, L. B. (1980). *Psychological consequences of prolonged deprivation*. Agra:

National Psychological Cooperation.

Rowe, D. C. (1987). "Resolving the person-situation debate: Invitation to a interdisciplinary dialogue".

American psychologist. 42: 218-227.

Sharma, S. (1981). "Key concepts of social psychology," *India psychology*. 24: 105-114.

Veena, Kumari (1996). "Eysenk personality inventory: Impulsivity/ Neuroticism and social desirability response." *Indian Psychological Abstracts and Reviews*. vol.5,N.I.